

سوپرمن روی نیمکت

سیدجلال حسینی شاید مهم ترین بازیکن پرسپولیس پیش از ورود گابریل کالدرون بود. کاپیتان کهنه کار که نقشی پررنگ در موفقیت فوق العاده فصل گذشته داشت.

صعود به فینال لیگ قهرمانان آسیا قطعاً بدون گل ها و راهبری سوپرمن غیرممکن بود. ضمن اینکه سیدجلال ستون اصلی دبل قهرمانی در لیگ و جام حذفی به شمار می رفت. تصور پرسپولیس بدون حسینی یک تجسم وحشتناک بود اما کالدرون همانند یک مربی حرفه ای با این مسأله برخورد کرد. او با توجه به سن بالای کاپیتان و پست پرفشاری که در آن بازی می کند، تصمیم گرفت به حسینی به شکل چرخشی بازی دهد و از همین رو بیشتر از آنکه حسینی را در ترکیب اصلی ببینیم، او فصل را روی نیمکت ذخیره ها سپری کرده. تصمیمی منطقی و شجاعانه که با توجه به تأثیر سیدجلال در تیم و البته محبوبیتش می توانست عواقب خطرناکی داشته باشد. در روزهای ابتدای فصل بیرون ماندن سیدجلال به بهانه های همیشگی نظیر مصدومیت ربط داده می شد اما کالدرون شفاف و به صراحت اعلام کرد که این نیمکت نشینی تصمیم او است و با توجه به فشار بازی ها و شرایط سیدجلال این تصمیم را گرفته. او البته بارها و بارها با احترام از جایگاه رفیع کاپیتانش صحبت کرد و او را یک بازیکن بزرگ دانست تا همه بدانند که تصمیم او هیچ دلیل دیگری به جز انگاره های فنی ندارد.

تصمیم کالدرون اما یک پیامد دیگر هم داشت؛ شکوفایی و جا افتادن محمدحسین کنعانی زادگان در ترکیب تیم. بازیکنی که به دلیل حواشی چند سال گذشته از چشم هواداران افتاده بود و به نظر یک خرید اشتباه و سوخته می آمد اما با اعتماد کالدرون توانست چهره مخدوش خود را بازسازی کرده و با بازیابی اعتماد به نفس بدل به یک مدافع قابل اعتماد شود. مدافعی که بعد از سیدجلال می تواند تا چند سال یک مهره مطمئن و یک ستون باشد.

انتقاد از علیپور مقابل دوربین ها

علی علیپور یکی از معماهای بزرگ این فصل پرسپولیس است. مهاجمی که در ابتدای فصل پایش را در یک کفش کرده بود تا از پرسپولیس جدا شود اما با مخالفت صریح باشگاه مجبور به ماندن شد. علیپور فصل را تحت تأثیر همین مخالفت و البته نداشتن زوج مناسب و تغییر سیستم و سبک پرسپولیس نومیدکننده آغاز کرد. مهاجمی که در هر بازی به تعداد انگشتان یک دست موقعیت گل از دست می داد اما باز هم از حمایت کالدرون برخوردار بود ولی با یک تصمیم بچگانه ناگهان ورق برگشت. علیپور در بازی برابر ماشین سازی با خودخواهی و بر سر کری بچگانه با حامد لک پنالتی دقیقه ۹۰ را به شکل چپ به گلر حریف سپرد تا پرسپولیس از ۳ امتیاز مهم خانگی محروم شود. واکنش کالدرون اما به این رفتار به شدت تند و بی پروا بود. سرمربی پرسپولیس ابتدا در رختکن حسابی از خجالت مهاجم تیمش درآمد و دقایقی بعد در کنفرانس مطبوعاتی به شدت به علیپور حمله کرد و بی مسئولیتی و خودخواهی وی را زیر سؤال برده و عامل از دست رفتن پیروزی و تلاش بازیکنان و تیم معرفی و تأکید کرد تا زمانی که در پرسپولیس باشد، به علیپور پنالتی نخواهد داد. برخورد سرمربی پرسپولیس به همین جا ختم نشد و او در دو

بازی نیز مهاجم تیمش را نیمکت نشین کرد تا علیپور تاوان این خودخواهی را به بدترین شکل بپردازد. رفتاری که البته سبب شد تا مهاجم پرسپولیس به خود بیاید و در بازگشت دوباره به ترکیب، سرانجام با گلزنی آشتی کند.

برو بیرون

علیرضا بیرانوند ستاره بی چون و چرای دو سال اخیر فوتبال ایران در دو فصل اخیر بوده. نمایش درخشان او در ترکیب تیم ملی در جام جهانی و جام ملتها و ترکیب پرسپولیس او را دو فصل پیاپی کاندیدای مرد سال آسیا کرد اما برای کالدرون هیچ ستاره ای حتی گلر اول تیم ملی نیز مصونیت ندارد. دروازه بان پرسپولیس البته در فصل جاری به نظر تمرکز کافی ندارد و از فرم مطلوب و درخشان فصل گذشته فاصله گرفته و این نکته ای است که کالدرون در لافافه چندین بار به آن اشاره کرده. چالش بیرانوند در پرسپولیس اما بعد از سفر به هنگ کنگ برای حضور در مراسم گالای آسیا آغاز شد، زمانی که در بازگشت جایی در ترکیب پرسپولیس در بازی برابر ذوب آهن نیافت و کالدرون ترجیح داد دروازه بان شماره یک تیمش را روی نیمکت کنار دست خود بنشانند. تصمیمی که ابتدا به سفر طولانی بیرو و خستگی راه نسبت داده شد اما وقتی کالدرون در هفته های بعد آن را تمدید کرد، مشخص شد این یک تصمیم فنی و در واکنش به نزول آقای شماره یک است. تصمیمی که البته بیرانوند به طرز عجیبی به آن واکنش نشان داد و در یکی از جلسات تمرینی پیش از بازی جام حذفی از سرمربی تیم درباره آن توضیح خواست تا کالدرون بلافاصله عذر او را بخواهد و از تمرین کنار بگذارد. غائله ای که البته با دخالت باشگاه ظاهراً ختم به خیر شد اما سرمربی پرسپولیس صراحتاً اعلام کرد تا پایان نیم فصل به دروازه بان تیمش احتیاجی ندارد و رادوشوویچ انتخاب او در این مقطع خواهد بود. رفتاری که سبب شده تا بیرو حساب کار دستش بیاید و بداند که ناز او خریدار ندارد و برای حضور در ترکیب اصلی باید با رادو بجنگد.

تولد ترابی

مهدی ترابی ابرستاره تیم کالدرون است و نمایشی غیبطه آور ارائه می دهد که تاکنون از او ندیده بودیم. سرمربی آرژانتینی با ارزیابی توانایی های اجزای مجموعه اش، دریافته که ترابی چه کیفیت ممتازی دارد و با فرستاد از او بازیکن بهتری ساخته؛ بازیکنی که گل می زند، گل می سازد و یک تنه پرسپولیس را به کرانه موفقیت می رساند. ۷ گل و ۴ پاس گل و ۱۵ امتیاز عملکرد تعیین برانگیز ترابی در پرسپولیس ۹۸ بوده. بازیکنی که در نیم فصل دوم و در پرسپولیس برانکو، هرگز نمایشی قابل اعتنا و مؤثر نداشت و نتوانست خود را در قالب ستاره جا بزند اما در پرسپولیس کالدرون حالا شکوفا شده و از او کیفیتی می بینیم که پیش از این حتی در روزهای تولدش در سایا نیز ندیده بودیم. این شاید مهم ترین اثر کالدرون در پرسپولیس باشد.

رئیس تنها

گابریل کالدرون مربی محبوبی نیست. این یک ادعای تلخ اما حقیقی است. او نه مثل استراماچونی و کی روش خوشتیپ و خوش چهره است که برای هواداران جذابیت های ظاهری داشته باشد، نه اهل مصاحبه های جذاب و آتشین به سبک کی روش و بلاژوویچ است که رسانه ها برایش سر و دست بشکنند، نه در کنار خط مثل تونی اولیویرا رفتارهای عجیب و غریب انجام می دهد که دوربین ها روی او زوم شوند. او یک مربی ساده است که تنها روی کارش تمرکز کرده. کالدرون برخلاف برانکو در رختکن تیم هیچ پسری ندارد و روابطش با بازیکنان را براساس رابطه کاری و مربی – بازیکن تنظیم کرده. او اهل ارتباط گیری و روابط فراتر از متن با رسانه ها نیست و وعده های ناهار برای خبرنگاران برگزار نمی کند و تنها یک ارتباط کاری توأم با احترام با رسانه ها دارد. سرمربی آرژانتینی به هواداران به عنوان یار دوازدهم می نگرد اما برای به دست آوردن دل آنها شعار نمی دهد و با لیدرها ارتباط نمی گیرد تا سکوها را کنترل کند. او برای خودش در تیم حلقه فامیلی تشکیل نداده و برای فرزند یا برادرش کارآفرینی نکرده پس نیاز نیست در مقابل مدیرعامل تیم کرنش کند و توصیه های او را بپذیرد و با صراحت لهجه از تصمیمات باشگاه انتقاد می کند. کالدرون اختیار تیم را به اطرافیان و نزدیکانش تفویض نمی کند و تمامیت خواه نیست که همه چیز را در خود و دستیارانش خلاصه کند و مربی ایرانی را نخواهد یا به هیچ انگارد در عوض برای کریم باقری به عنوان دستیار ایرانی اش احترام و جایگاه خاصی قائل است و حتی برای دفاع از حق مربی دروازه بان های ایرانی اش حرف می زند. کالدرون تنها و تنها یک مربی است و در پرسپولیس در چارچوب و حیطه خود فعالیت می کند و ایرانیزه نشده. همین رفتار اصولگرایانه اش باعث شده که محبوب نباشد، کسی او را تشویق نکند، سکوها برایش ایستندی نزنند و رسانه ها او را تمجید و ستایش نکنند اما در نهایت او با همین رویکرد و همین اصول توانسته با پرسپولیس به موفقیت برسد. مردی که علی رغم موفقیت هنوز هم محبوب نیست اما به نقطه ای رسیده که همه او را بپذیرند و به او ایمان بیاورند. کالدرون ثابت کرد که می توان مربی بود، ایرانیزه نشد و البته به موفقیت رسید و در نهایت همه را وادار کرد که بدانند او رئیس است!

شجاعت مقابل شجاع

شجاع خلیل زاده یکی از ستاره های چند فصل اخیر پرسپولیس بوده. مدافعی جنگنده و سختکوش که با ویژگی های مثبتی که دارد، بدل به یکی از ارکان پرسپولیس شده و دفاع پرسپولیس را بیمه کرده. با این وجود شجاع در زمین بازی، عصبی است و اعتراض و خشونت را با تعصب اشتباه گرفته. مدافعی که از درگیری با بازیکنان حریف و داور هیچ ابایی ندارد و با همین رفتار کلکسیونی از کارت های رنگی و جریمه های متفاوت را تجربه کرده که تبعات بدی برای پرسپولیس به همراه داشته. وقتی در دو بازی دوستانه پیش فصل شجاع با همین سبک بازی کرد و اخراج شد، کالدرون با تعجب از رفتارهای او در زمین، هشدار داد که او باید تمرکز خود را معطوف به بازی کند و دست از اعتراض و درگیری بردارد. هشدارهایی که البته خلیل زاده مثل همیشه آن را جدی نگرفت و با همین سبک لیگ را شروع کرد تا با برخورد تند کالدرون مواجه شود. کالدرون ابتدا برای هشدار به ستاره خط دفاعی اش او را از دفاع وسط به دفاع راست برد تا بلکه با تغییر پست و دور بودن از معرکه برخورد ها، خلیل زاده بتواند خود را تغییر دهد اما وقتی دید مدافعی بنایی بر تغییر ندارد، او را نیمکت نشین کرد تا حساب کار دستش بیاید. اتفاقی که در چند سالی که شجاع در پرسپولیس بوده، هرگز رخ نداده بود. نیمکت نشینی شماره ۳ در بازی برابر نفت مسجدسلیمان یک تنبیه جدی از سوی کالدرون برای مدافع سر به هوای تیمش بود تا خود را اصلاح کند و البته تدبیر کالدرون مؤثر افتاد. تنبیهی که سبب شده تا شجاع هشدار کالدرون را جدی گرفته و درگیری و خشونت را تا حد زیادی کنار بگذارد.

قلم روی نام یاغیشاه

گابریل کالدرون روی نظم و انضباط تأکید فراوانی دارد و به شدت نسبت به رفتارهای خودسرانه و بی نظمی حساس است و به بازیکنان تیمش اخطار داده که درباره رفتارهای اینچنینی هرگز کوتاه نمی آید. بنابراین وقتی در یکی از جلسه های تمرینی تیمش پیش از بازی با ذوب آهن امید عالیشاه و سیامک نعمتی با هم بر سر یک برخورد ساده درگیر شدند، بلافاصله هر دو را از لیست تیمش در سفر به اصفهان خط زد. آن هم در شرایطی که پرسپولیس در بحران به سر می برد و هر نتیجه ای به غیر از برد در فولادشهر می توانست به اخراج کالدرون منجر شود اما سرمربی پرسپولیس اصول را زیر پا نگذاشت و هر دو ستاره تیمش را خط زد. رفتاری قاطعانه که نشان داد کالدرون در این زمینه با کسی شوخی ندارد. تنبیه دو ستاره یاغی پرسپولیس البته تا سه هفته تمدید شد و هر دو از لیست کنار گذاشته شدند و در نهایت نعمتی به لیست بازگشت اما عالیشاه کماکان در برزخ به سر می برد و راهی به لیست نیافته و حتی زمزمه های خروجش از پرسپولیس نیز شنیده می شود.

دربی عبدی

دربی برای هر مربی یک نقطه عطف به شمار می رود. بازی فراتر از مرگ و زندگی که در اثبات و مقبولیت یک مربی نقش ویژه ای بازی می کند و برای هواداران ارزش پیروزی در آن حتی فراتر از قهرمانی است. دربی لیگ نوزدهم در هفته چهارم برگزار شد؛ زمانی که کالدرون و البته سرمربی رقیب تازه چند هفته ای بیشتر نبود که به ایران آمده و هنوز جا نیفتاده بودند اما کالدرون به رغم همه مشکلات این بازی بزرگ را به سود خود تمام کرد تا جا پای خود را سفت کرده باشد. برد در دربی البته با تصمیم مستقیم کالدرون و تعویض عجیب او حاصل شد تا نقش او در این برد پررنگ تر جلوه کند. زمانی که در یک تصمیم عجیب و حیرت انگیز از میان تمامی ستاره های ریز و درشت روی نیمکت، مهدی عبدی جوان و گمنام را به زمین فرستاد و همین جوان گل پیروزی پرسپولیس را به ثمر رساند تا همه کالدرون و تصمیم جالبش را ستایش کنند. این برد با گل عبدی از سرمربی آرژانتینی یک مربی تیزبین و وعده های ناکته سنج ساخت و بار دیگر ثابت کرد که برای او نام و آوازه ستاره ها هیچ اهمیتی ندارد و تنها به آمادگی و کیفیت بازیکنان توجه می کند.

